

فصلی فراموش شده

ایا امروز هم مثل قدیم،
همسایه‌ها از حال هم با خبر هستند؟

● ابوالفضل علی دوست ابرقویی

واژه «سایاط» از جمله واژه‌هایی است که اگر نگوییم مطلقاً مرده، لااقل به مرگ مغزی دچار شده است و دیر یا زود، آخرین نفس‌ها را خواهد کشید و برای همیشه به تاریخ ادبیات واژه‌ها خواهد پیوست. از آن پس تنها در کتاب‌های لغت باید آن را پیدا کرد.

دلیل مرگ این واژه آن است که مسمای آن از بین رفته است.

سایاط چیست؟

احتمالاً سفری به شهرهای کویری مثل یزد یا کرمان داشته و در کوچه‌های قدیمی آن تردد کرده‌اید. برخی از این کوچه‌ها سقف دارند و این سقف دیوارهای عرضی دو طرف کوچه را به یکدیگر پیونده داده است؛ البته در فاصله‌هایی معین به منظور روشن شدن کوچه این سقف قطع گردیده و دوباره این سقف تا آخر کوچه ادامه یافته است. به این کوچه‌ها و به این سقف‌ها «سایاط» می‌گویند. از آن‌جا که در حال حاضر، مرسوم نیست که کوچه‌ها را سقف بزنند و کوچه حالت دالان و راهرو پیدا کند، در حقیقت سایاط‌سازی منتهی گردیده است. یعنی مسمای سایاط از بین رفته و به تبع آن، این واژه هم در محاورات روزمره کاربردی ندارد؛ هرچند پیران و احیاناً میان‌سالان با آن بیگانه نباشند، جوانان با آن آشنا نیستند و دیر یا زود در مجلس ختم این واژه باید شرکت کرد.

دلیل ساختن سایاط

در شهرهای کویری گرمی هوا در تابستان آزاردهنده است. برای جلوگیری از تابش مستقیم آفتاب بر رهگذرانی که مجبور بودند کوچه‌های طولانی را در این شهرها، آن هم پیاده، طی کنند، راهی جز این به نظر نمی‌رسیده که کوچه‌ها سربوشیده شوند و رهگذر، در کوچه لااقل در سایه حرکت کند. خداوندی که آفتاب را آفریده راه جلوگیری از حرارت مستقیم آن را از آدمی نگرفته است. رهگذر در این کوچه‌ها دور از حرارت گرم روزهای کویری راه می‌سپرده و لایذ برای شادی روح کسانی که مبتکر سایاط بوده‌اند، فاتحه‌ای هم نثار می‌کرده است.

دلیل دوم و در واقع دستاورد دوم «سایاط» را باید در نوعی باور فرهنگی مردم جست‌وجو کرد. اهالی چنین کوچه‌هایی با یکدیگر نوعی احساس قرابت و نزدیکی داشته‌اند؛ احساس می‌کردند دل و دیده‌ای یکسان دارند و اعضای یک خانه‌اند و در اتاق‌های مجاور، زندگی مستقلی دارند. سقف و چار دیواری مشترک، هرگز استقلال زندگی‌شان را خدشه‌دار نکرده، فرهنگشان، دل و دینشان، زبان و آدابشان مشترک است و چون این سقف بر آنان سایه افکنده محیط زندگی‌شان نیز نوعی اشتراک و قرابت یافته، با جان و دل پیامدهای این قرابت را می‌پذیرند. با آن‌که فاصله خانه‌ها زیاد بود، چه بسا خانه‌ای که در ابتدای سایاط قرار گرفته با آخرین خانه فاصله چندصدمتری داشت؛ اما میان دل‌ها فاصله‌ای احساس نمی‌شد. مگر می‌توان زیر یک سقف زندگی کرد و احساس دوگانگی و فاصله نمود؟! مهم‌ترین دستاورد فرهنگی، اجتماعی سایاط را در همین قالب باید جست و جو کرد، همان‌طور که دلیل جغرافیایی و فیزیکی آن را نیز بایستی در نظر داشت.

و حالا

چند ماه قبل یکی از هنرپیشه‌های معروف که صاحب سبک خاصی هم بود فوت شد؛ اما این که بستگان و فامیل او چگونه فهمیدند که او فوت شده، جالب و البته تاسف‌برانگیز است: از بوی تعفن که از آپارتمان وی استشمام شد! واحدهای یک آپارتمان ظاهراً از خانه‌های زیر یک سایاط به یکدیگر نزدیک‌ترند؛ اما وقتی دل‌ها از یکدیگر جدا باشند، به غم نزدیک بودن منزل‌ها به هم، این بوی تعفن جنازه است که اخبار را رد و بدل می‌کند! چندماه قبل از مرگ این هنرپیشه، یکی دیگر از هنرپیشه‌های معروف نیز به همین شیوه به اطلاع دیگران رساند که: ای مردم! من هم مردم!

مقایسه کنید!

این نکته تاسف‌برانگیز را مقایسه کنید با فرهنگی که سایاط‌سازی در دل خود دارد و نیز با فرهنگ احترام به همسایه، که در متون دینی و روایی ما دیده می‌شود...

شخصی چند نوبت خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم رسید و هر بار از رفتار بد همسایه خود شکایت کرد؛ اما چون نصایح بی‌فایده بود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم فرمودند: روز جمعه، که مردم از کوچه تو تردد می‌کنند، اسباب و اثاثیه خود را از منزل بیرون بگذار، مردم علت را سوال می‌کنند و تو علت کار خود را رفتار همسایه خویش عنوان کن. همین شیوه موجب شد تا همسایه‌آزار به خود آید و زبان به عذرخواهی بگشاید. سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم به یکی از یاران دستور دادند که با صدای بلند اعلام کند: چهل منزل از هر چهارطرف، همسایه حساب می‌شود.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم فرمودند: «هرکس که حق همسایه را ضایع سازد، از ما نیست. پیوسته جبرئیل مرا نسبت به همسایه سفارش کرد تا آن‌جا که گمان کردم همسایه از همسایه به ارث می‌برد.» ۲

همچنین از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوال شد: «یا رسول الله! آیا به جز زکات، حقی در اموال انسان وجود دارد یا نه؟» حضرت فرمودند: «آری نیکی به بستگان، در صورتی که نسبت به تو بدی روا دارند و نیز نیکی به همسایه مسلمان. هر آینه به من ایمان نیاورده، کسی که سیر بخوابد و همسایه او گرسنه باشد.» ۳

دو روایت دیگر از امام صادق علیه‌السلام را زینت‌بخش این نوشتار قرار می‌دهیم:

آن حضرت فرمود:

«نیکی به همسایه موجب افزونی روزی انسان است.»

همچنین فرمود:

«نیکی به همسایه خانه‌ها را آباد و عمرها را افزون

می‌سازد.» ۴



بی‌نوشت‌ها:

۱. مجله نقش‌آفرینان.

۲. امالی، شیخ صدوق، ص ۲۵۶

۳. همان، ص ۱۲۴

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷

دستاورد مهم «سایاط» را باید در نوعی باور فرهنگی مردم جست‌وجو کرد. اهالی چنین کوچه‌هایی با یکدیگر نوعی احساس قرابت و نزدیکی داشته‌اند؛ احساس می‌کردند دل و دیده‌ای یکسان دارند و اعضای یک خانه‌اند و چون این سقف بر آنان سایه افکنده محیط زندگی‌شان نیز نوعی اشتراک و قرابت یافته، با جان و دل پیامدهای این قرابت را می‌پذیرند

